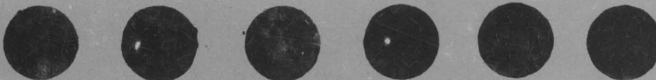




دینیات

برای صنف ششم



سال: ۱۳۶۶ هـ ش

دینیات

برای صنف ششم

سال ۱۳۶۶ هـ ش

مهتمم چاپ : راز محمد پندانی

فهرست مندرجات

فہرست مندرجات

فهرست مندرجات

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اوّل

وحی

وحی در لغت «پیغام و خبر» را گویند و در اصطلاح شرع عبارت از همان کلام و حکم خداوند (ج) است که بر پیغمبرش نازل گردیده باشد.

وحی در حقیقت رابطه ایست بین خداوند (ج) و بندگانش که خداوند (ج) توسط آن اوامر و نواهی خود را ابتدا به پیغمبر خود خبر داده و بعداً پیغمبر آنرا به لسان خود به امتش بیان کرده و مردم را از وحدانیت باری تعالی و چگونگی احکام شریعت الهی مطلع ساخته است. وحی برای اولین بار بر آدم (ع) نازل گردیده و برای آخرین بار بر حضرت محمد (ص) نازل شده است، ازین رو پیغمبر ما خاتم المرسلین است. درین صنف آن وحی را مورد مطالعه قرار میدهیم که به حضرت محمد (ص) آمده است.

اقسام وحی

وحی بر دو نوع است ۱- وحی جلی ۲- وحی خفی

۱- وحی جلی (آشکارا) : عبارت از همان کلام الهی (قرآن مجید) است که توسط حضرت جبرائیل به حضرت محمد (ص)، نازل شده وتوسط جبرائیل به حضرت محمد (ص) تعلیم وقرائت گردیده است، تمام وحی جلی خداوند (ج)، که بر حضرت محمد (ص)، نازل شده است بنام قرآنکریم یاد میگردد. این کتاب مقدس الهی درظرف (۲۳) سال ازطرف خداوند (ج)، برحضرت محمد (ص) ازآسمان به زمین نازل گردیده است.

۲- وحی خفی (پنهان) :- عبارت ازهمان وحی است که خداوند (ج)، پیغمبرش را درحالت خواب به حکمی ویا انجام دادن کاری امرکرده باشد مثل خواب دیدن ابراهیم (ع)، براینکه پسرش اسمعیل (ع)، را ذبح کند همچنان وحی خفی گاهی در دل پیغمبر ازطرف خداوند (ج)، القاء می شود مثل احادیث حضرت محمد (ص)، که توسط جبرائیل (ع)، نازل نشده بلکه خداوند (ج)، آنرا در دل حضرت محمد (ص)، نهاده است.

تعریف حدیث

گفتار، کردار و تقریر پیغمبر را حدیث می نامند.

الف گفتار (قول) نبی کریم (ص):- احادیثی که پیغمبر (ص) آنها را به زبان مبارک خویش ارشاد نموده باشد قول یا گفتار نبی (ع) نامیده میشود. مثل

وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ (ص) بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلٰى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ.

ترجمه:

روایت شده است از ابن عمر (رض)، که فرموده است حضرت پیغمبر (ص): دین اسلام بر پنج بنا استوار است ۱- گواهی براینکه جز خداوند ج، هیچ ذاتی قابل عبادت نیست و حقا که حضرت محمد (ص)، بنده و رسول او تعالی است.

۲- نماز گزاردن ۳- دادن زکواة ۴- ادای حج بیت الله ۵- روزه ماه مبارک رمضان.

ب فعل یا کردار پیغمبر (ص):
احادیثی را که پیغمبر (ص) به زبان مبارکش بیان نکرده ولی عملاً کاری را انجام داده باشد فعل پیغمبر گویند چنانچه پیغمبر (ص) همیشه میفرمود. صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي
ترجمه:
به ترتیبی نماز بخوانید مثلیکه مرا در حال نماز خواندن می بینید.

ج - تقریر نبی کریم (ص):-
عبارت از همان احادیثی است که کسی در حضور پیامبر اکرم (ص) چیزی را گفته ویا عملی را انجام داده باشد ولی رسول (ص) از آن قول و فعل ممانعت ننموده ویا آن قول و فعل باعث مسرت پیغمبر (ص) گردیده باشد.
چنانچه وقتیکه معاذ بن جبل (رض) بحیث قاضی بطرف یمن میرفت قبل از وداع حضرت محمد (ص)، از وی چنین پرسید فَبِمَا تَقْضِ ترجمه: به کدام اساس فیصله وقضاوت مینمائی، معاذ (رض) پاسخ داد به کتاب الله «به اساس کتاب خداوند ج» پیغمبر (ص) پرسید اگر مسئله در کتاب الله نبود چطور؟ معاذ (رض) فرمود: بِسُنَّةِ رَسُولِ اللهِ «آنگاه به اساس سنت پیغمبر (ص) فیصله میکنم» بار سوم پیغمبر اکرم (ص) پرسید هرگاه مسئله در سنت

پیغمبر نیز موجود نباشد چطور ؟ حضرت معاذ (رض) پاسخ داد اَجْتَهِدُ بِرَأْیِی «یعنی بفکر و رای خود اجتهاد خواهم کرد» این پاسخ باعث خرسندی حضرت رسول الله (ص) گردیده و حمد خدا را بجا آورد.

کتب معروف احادیث نبوی قرار ذیل است :

۱- جامع بخاری

از جمله (۶) شش کتاب صحیح احادیث پیغمبر (ص)، که بنام «صحاح سته» یاد میشود یکی کتاب جامع بخاری است که دارای احادیث کاملاً صحیح و ثابت حضرت پیغمبر (ص) میباشد. جامع بخاری بعد از قرآنکریم مقام دوم را دارا بوده و نخستین کتاب معتبر احادیث نبوی است که مثل قرآنکریم مشتمل بر (۳۰) جزء میباشد. این کتاب تألیف امام بخاری است. امام بخاری (رح) که اسم مبارکشان (محمد) میباشد فرزند اسمعیل و از اهالی بخارا است. او یکی از علمای برجسته عصر خود بوده و صاحب حافظه خیلی قوی بود، امام بخاری امام و شیخ حدیث میباشد که تألیفات دیگری نیز دارد او درخورد سالگی قرآنکریم را حفظ کرد و سپس در سن (۱۸) سالگی عازم حج بیت الله شد. امام بخاری بعد از ادای فریضهٔ حج در مکه اقامت گزیده و به آموختن احادیث پرداخت و مدت شش سال را به این منظور در مکه سپری نمود و بعداً بمنظور جستجوی

احادیث نبوی (ص)، به مصر، شام، کوفه و بغداد مسافرت ها نمود. خلاصه هرجاکه عالمی حدیثی از نبی کریم (ص)، را یاد میداشت امام بخاری فوراً به سراغ او میرفت آن حدیث را از او می آموخت که باین ترتیب او احادیث نبوی را از نزد بیشتر از هزار استاد آموخت که امام احمد (رح)، و علی بن عبدالله مدنی نیز از جمله استادان امام بخاری محسوب میگردند. امام بخاری حافظ احادیث نبوی بود و از جمله شش لک حدیثی که در حافظه اش جا داشت احادیث معتبر را در کتاب جامع بخاری درج کرد. کتاب جامع بخاری به قول امام نووی در حدود (۷۲۷۵) هفت هزار و دو صد و هفتاد و پنج حدیث دارد ولی بقول حافظ ابن حجر مشتمل بر (۷۳۹۷) حدیث میباشد که تعداد فصل ها یا ابواب آن به حدود (۵۴۵۰) باب میرسد. امام بخاری وقتی میخواست حدیثی را در جامع بخاری بنویسد، علاوه بر تحقیقات در اسناد حدیث از جانب شب «استخاره»[1] می نمود. بعد از دریافت نتیجه مطلوب درمورد حدیث، غسل میکرد وبعد از ادای (۲) رکعت نماز نفل درجای تنها می نشست و به ادب و احترام زیاد آن

۱- توسط حدیث استخاره طلب خیر از خداوند (ج) را استخاره گویند.

حدیث استخاره: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ. الحدیث..... الخ

حدیث را در کتاب بخاری شریف می نوشت . امام بخاری یک شخص عالم، متقی و مجتهد بوده که در حدود (نود هزار) شاگرد داشت ، میگویند وقتی پادشاه عصر از امام بخاری تقاضا کرد تا بخاطر تدریس پسران شاه بخانه شاهی بیاید امام بخاری در پاسخ شاه گفت من بخاطر تدریس بخانه کسی رفته نمیتوانم بلکه مردم باید بخاطر آموختن بخانه من بیایند . ازین سبب شاه براو قهر شد و امام بخاری نیز از « بخارا » به « سمرقند » رفته و در آنجا در قریه « خرتنگ » اقامت گزید .

امام بخاری که در سال (۱۹۴) هجری قمری روز شنبه در بخارا دیده به جهان گشوده بود سرانجام بعمر (۶۳) سالگی در سال (۲۵۶ - در روز اول عید سعید فطر بعد از ادای نماز ظهر در قریه « خرتنگ » دار فانی را وداع گفت و در همانجا دفن گردید .

۲- جامع مسلم :-

این کتاب هم از جمله شش کتب صحیحه در احادیث میباشد که بعد از جامع بخاری دومین کتاب معتبر در احادیث نبوی بحساب می آید ، چنانچه احادیثی را که در کتاب های بخاری و مسلم یکسان ذکر شده باشد احادیث متفق علیه می نامند . مؤلف این کتاب مسلم بن حجاج است که به یکی از قبیله های مشهور عرب بنام « قشیر »

مربوط میباشد. امام مسلم حافظ خوب احادیث، عالم برجسته وشخص متقی بود او خودش میگوید که من احادیث جامع مسلم را ازجملهٔ (سه صد هزار) حدیث انتخاب کردم، احادیث کتاب مسلم تکراری بوده و تعداد آنها به چهار هزار حدیث بالغ میگردد.

امام مسلم در سال (۲۰۴) هجری قمری یعنی سال وفات امام شافعی رح تولد گردیده و در سال (۲٦۱) هجری قمری در نیشاپور وفات یافته است.

۳- جامع ترمذی

این کتاب هم ازجمله کتب شش گانه حدیث است که به نظر بعضی از علماء در مقام سوم و در نظر عده در مقام چهارم قرار دارد. درین کتاب هر چهار مذهب بیان وتشریح شده است.

مؤلف این کتاب امام ترمذی بوده که اسم اصلی شان محمد بن عیسیٰ میباشد. امام ترمذی در سال (۲۰۹) هجری قمری تولد گردیده و در سال (۲۷۹) هـ، ق به عمر (۷۰) سالگی در ترمذ وفات یافته است.

امام ترمذی در شهر ترمذ[۱] سکونت داشت که این شهر در قسمت شمالی ماوراالنهر در

۱- ترمذ نام شهریست در جمهوریت ازبکستان تحت سلطه شوروی.

جوار ولایت بلخ کشور ما قرار دارد . امام ترمذی «رح» استادان زیاد داشت که از جمله اساتید مشهور وی میتوان امام بخاری «رح» ، قتیبه بن سعید محمود بن غیلان ومحمد بن بشار را نام برد ، او خود نیز شاگردان زیادی داشت وعلاوه براین کتاب (ترمذی) تألیفات دیگری نیز ازاو بجا مانده است. امام بخاری «رح» یکی ازاستادان ترمذی «رح» درمورد وی میگوید: من ازتو آنقدر استفاده کرده ام که تو ازمن نکرده ای. ازین حقیقت ظاهر میگردد که امام ترمذی دانشمند متقی و صاحب حافظهٔ بهتری بود .

۴- ابوداود شریف

چهارمین کتاب ازکتب شش گانه صحیح حدیث ابوداود شریف است . در نزد بعضی علماء این کتاب درمرتبه سوم قرار دارد ، مؤلف کتاب سلیمان فرزند اشعث سجستانی[1] است که درسال (۲۰۲) هجری قمری تولد یافته است موصوف غرض تحقیق دراحادیث نبوی سفرهای جانب ، عراق ، خراسان ، شام ، سوریه ومصر انجام داده است . او ازجمله پنجصد هزار حدیث که درحافظه اش قرار داشت چهار هزار حدیث راانتخاب کرده ودرکتاب ابوداود شریف گنجانیده است . مذکور وقتی این کتاب رانوشت غرض ملاحظه آن رابه امام احمد عرضه کرد امام احمد کتاب اورا

۱- سجستان راامروز بنام سیستان یاد میکنند .

پسندیده وستایش کرد، امام سلیمان «رح» احادیث نبوی را از علمأ ومجتهدین معروف عصر خویش چون امام بخاری «رح» امام مسلم، احمد بن حنبل «رح» قتیبه بن سعد و دیگران فرا گرفت و خود نیز شاگردان زیادی تربیه کرده است. امام سلیمان «رح» یک عالم محقق و هوشیار بوده که در اسناد احادیث دقت زیاد بخرچ میداد.
امام ابوداؤد سلیمان در سال (۲۷۵) هـ.ق به عمر (۷۳) سالگی در بصره وفات یافت.

۵- سنن نسائی :-

ازجمله شش کتاب صحیح در احادیث نبوی یکی هم سنن نسائی میباشد که بعد از ابوداود معتبر ترین کتاب حدیث بوده و در مقام پنجم قرار دارد. مؤلف این کتاب احمد فرزند شعیب خراسانی بوده که در یکی از شهرهای خراسان قدیم بنام «نسأ» در سال (۲۱۵) هجری قمری تولد یافته است، احمد «رح» شخصیت متقی و دانشمندی بوده که در سال (۳۰۳) هجری قمری دار فانی را وداع گفته است.
نخستین تألیف مؤلف کتابی بنام «سنن کبری» بود که بعداً احمد «رح» بنا بر امر امیر آن منطقه احادیث معتبر وصحیح را جدا نموده و از آنها کتاب دیگری را بنام «المجتبیٰ» تألیف کرد. بعد از آن کتاب سنن نسائی را بطریقه امام بخاری و مسلم تألیف کرد.

۶- سنن ابن ماجه:

ششمین کتاب مشهور حدیث سنن ابن ماجه است که بعد از سنن نسائی در مرتبه ششم قرار دارد.

مولف این کتاب امام محمد بن یزید ربعی بوُد و بقول عدهٔ از علما ماجه اسم مادر وی میباشد. موصوف در سال (۲۰۹) هجری قمری تولد و در سال (۲۷۳) هـ ق وفات یافته است او مدت (۶۴) سال عمر داشت و غرض آموزش احادیث نبوی سفرهای زیادی بجانب عراق، بصره، کوفه، بغداد، مکه، شام، مصر و حجاز انجام داده است. این کتاب امام محمد «رح» دارای تقریباً (چهار هزار) حدیث بوُده و مولف دارای یک سلسله تألیفات در رشته تفسیر و تاریخ نیز میباشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

آغاز وحی

قبلاً تذکر داده‌ایم که وحی بر پیغمبران قبل از حضرت محمد (ص)، نیز نازل شده است. در اینجا مورد بحث ما صرفاً همان وحی است که بر حضرت محمد (ص)، نازل گردیده است.

وحی برای اولین بار در «غار حرا» بر آنحضرت (ص)، نازل گردید. هنگامیکه حضرت محمد (ص) در غار حرا به عبادت میپرداخت ایشان در اثنای عبادت به فکر نزول وحی یا عطیه دیگری نبودند بلکه یگانه هدف حضرت محمد (ص)، ازین عبادت تفکر در مورد مخلوقات و کائنات الهی بود. روزی که حضرت محمد (ص)، طبق معمول همیشگی اش در غار حرا به عبادت مصروف بود بطور ناگهانی ملک وحی «جبرائیل (ع)» نازل گردید و حضرت محمد (ص)، را چنین خطاب نمود اِقْرَأْ: یعنی بخوان: آنحضرت (ص)، در پاسخ فرمودند:

«مَا اَنَا بِقَارِئٍ» من خواننده نیستم (سواد ندارم) این سوال و جواب سه بار بین حضرت محمد (ص)، و جبرائیل (ع)، تکرار شد و در بار سوم ملک وحی آنحضرت (ص)، را در آغوش گرفت و بسختی فشرد و خطابش کرد که:

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۚ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۚ اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۙ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۙ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۗ سوره علق آیه ۱ - ۵

ترجمه : بخوان بنام پروردگارت ، آنکه خالق همه مخلوقات است ، آفرید انسان را از خون بسته شده ، بخوان و آفریدگارت خیلی مهربان است ، آن ذاتی که علم آموخت انسانرا بواسطه قلم ، آموخت انسانرا آنچه راکه هیچ نمیدانست.

حضرت محمد (ص) ، بعداز وقوع این حادثه فوراً بخانه آمده و در حالیکه وجود مبارکش می لرزید احوال واقعه را به بی بی خدیجه بیان نمود. وقوع این واقعه سرآغاز وحی و بعثت حضرت پیامبر (ص) ، بود که از آن به بعد به دعوت مردم بسوی اسلام آغاز نمود و همه مردم را به عبادت و اطاعت از خدای واحد (ج) فرا خواند.

این نتیجه مجاهدت های پیغمبر اکرم (ص) ، است که امروز دین مبین اسلام تمامی نقاط جهان را منور ساخته ، و امت آنحضرت (ص) ، نیز تا قیام قیامت این دین را نافذ نگاه خواهند داشت.

ختم وحی

نزول وحی در سن چهل سالگی بر حضرت محمد (ص)، آغاز شده و آنحضرت (ص)، به پیغمبری مبعوث گردید که به تعقیب آن بدعوت مردم بسوی اسلام شروع نمود و هرگاه کسی از آن حضرت (ص)، سوالی می پرسید رسول الله (ص)، آنرا به اتکاء به وحی الهی جواب میداد.

چنانچه خداوند (ج)، در قرآنکریم صریحاً بیان مینماید: وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۱) «یعنی حضرت محمد (ص) از نفس خود حرف نمیزند بلکه اقوال او جزء وحی فرستاده شده الهی چیزی دیگری نیست».

حضرت محمد (ص)، مدت (۶۳) سال عمر داشت و در جریان پیامبری (۲۳) ساله خویش رسالتش را با کمال اخلاص و ایمانداری انجام داده و مردم را بعبادت خدای واحد جلا وعلی شانه دعوت داد. آنحضرت (ص)، در راه پخش و نشر دین مبین اسلام زحمات و تکالیف زیادی را متحمل گردید که سرانجام خداوند بزرگ چنین خطابش کرد.

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَ رَضِيْتُ

۱- سوره نجم آیه دوم

لَكُمُ الاسْــــــــلامَ دِينــاً ه (۲)

ترجمه: امروز دین شما را برای شما کامل گردانیدم وتمام کردم بر شما نعمت خود را واسلام را یگانه دین نکوئی برای شما پسندیدم "

بعد از نزول این آیه مبارک و رحلت حضرت پیغمبر(ص)، به دار بقا نزول وحی برای همیشه به پایان رسید. زیرا رسول الله (ص) بهترین و آخرین پیامبران بوده و بعد از حضرت محمد (ص) پیغمبر دیگری مبعوث نمیشود.

قرآنکریم و احادیث نبوی (ع)، که توسط وحی جلی وخفی از طرف خداوند (ج)، به حضرت محمد (ص) فرستاده شده است میراث بزرگی است که برای جهانیان باقی مانده است و ما مسلمانان مکلف ایم که بر این احکام الهی (ج)، ایمان داشته و مطابق آن عمل نمائیم.

۲- سوره مائده ایه دوم.

تمرین

I: ۱- معنی لغوی و اصطلاحی وحی چیست ؟

۲- وحی بر چند نوع است ؟

۳- انواع حدیث شریف را بیان دارید ؟

۴- کتب صحیح و مشهور احادیث نبوی «ع» چند بوده و جامع بخاری دارای مقام چند م میباشد ؟

۵- حدیث شریف را تعریف نمائید ؟

۶- نام امام بخاری «رح» چه بود ؟

۷- امام بخاری «رح» درکدام سال تولد یافته وسال وفات ایشان را واضح سازید ؟

II: خالیگاه های زیر را با کلمات مناسب پر نمائید ؟

۱- نام امام مسلم (   ) میباشد .

۲- امام مسلم درسال (   ) تولد و درسال (   ) وفات گردیده است .

۳- نام امام ترمذی چه بود ؟

۴- امام ترمذی شاگرد که بود ؟

نواقص جمله ذیل را مکمل نمائید :

۱- امام ابوداود درسال (   ) تولد و درسال (   ) وفات گردیده است .

۲- امام احمد شعیب خراسانی کدام کتاب را تألیف کرده است ؟

III - در اطراف جواب صحیح دایره بکشید :

سنن ابن ماجه در :-

الف - مقام اول قرار دارد -

ب - مقام چهارم قرار دارد .

ج - مقام ششم میباشد .

آغاز وحی

الف - در غار ثور

ب - در غار حرا

ج - در غار کهف - بوده است .

ختم وحی بر

الف - حضرت محمد (ص)

ب - حضرت آدم (ع)

ج - حضرت نوح (ع) میباشد .

IV - ۱- فرق میان قرآن و حدیث چیست ؟

۲- قرآن کریم در چند سال نازل گردیده است .

فصل دوم

سجده های تلاوت

قرانکریم یک کتاب آسمانیست که درظرف بیست وسه سال ازطرف خداوند (ج) برحضرت محمد (ص)، نازل گردیده است. درین کتاب مقدس دلائل اثبات توحید الهی وثبوت رسالت وپیغمبری حضرت محمد (ص)، موجود میباشد. درقرآن عظیم الشان جنت و دوزخ مورد بحث قرار گرفته و دلائل اثبات روزقیامت درآن نیزذکر گردیده است. آنکه برقرآن مجید عمل نماید وزندگی اش را درسایه این قانون مقدس آسمانی بگذراند یقیناً سعادت دنیا وآخرت نصیبش خواهد شد.

تلاوت قرآنکریم علاوه برسائرفواید دارای ثواب زیاد میباشد، چنانچه با تلاوت یک حرف آن خداوند پاک (ج)، ثواب ده نیکی رابه انسان اعطا می فرماید. بعضی ازسوره های قرآنکریم (۱) «مکی»، بوده یعنی درمکه مکرمه نازل شده وعدهٔ دیگری «مدنی» است که در مدینهٔ منوره نازل گردیده اند. قرانکریم دارای سوره های

۱- قرآنکریم دارای (۱۱۴) سوره بوده که (۸۶) سورهٔ آن مکی و (۲۸) سورهٔ آن مدنی میباشد.

طویل، متوسط وکوتاه میباشد در بعضی از سوره ها آیت سجدهٔ تلاوت موجود میباشد. هرگاه کسی آنرا قرائت نماید ویا آیت سجدهٔ تلاوت را بشنود سجدهٔ تلاوت براو واجب میشود. درتمام قرآنکریم درچهارده موضع چارده سوره سجده های تلاوت موجود میباشند که درجدول آتی سورهٔ مربوط هرسجده بارکوع ونمبرآیه آن واضحاً تحریرگردیده است.

جدول سجده های تلاوت

شماره	سورة	پاره	رکوع	آیت
۱	سوره الاعراف	۹	۲۴	۲۰۶
۲	« الرعد	۱۳	۲	۱۵
۳	« النحل	۱۴	٦	۵۰
۴	« بنی اسرائیل	۱۵	۱۲	۱۰۹
۵	« مریم	۱٦	۴	۵۸
٦	« الحج	۱۷	۲	۱۸
۷	« الفرقان	۱۹	۵	٦۰
۸	« النمل	۱۹	۲	۲۵
۹	« السجده	۲۱	۲	۱۵
۱۰	« صٓ	۲۳	۲	۲۴
۱۱	« حٰمٓ السجده	۲۴	۵	۳۸
۱۲	« النجم	۲۷	۳	٦۲
۱۳	« الانشقاق	۳۰	۱	۲۱
۱۴	« العلق	۳۰	۱	۱۹

طریق ادا کردن سجدهٔ تلاوت

در ابتدا بسم الله الرحمن الرحیم گفته و بعداً چنین نیت میشود.

نَوَيْتُ اَنْ اَسْجُدُ لِسَجْدَةِ التِّلَاوَةِ الْقُرْاٰنِ، آمَنْتُ بِالرَّحْمٰنِ وَرَضِيْتُ بِالْاِسْلَامِ مُتَوَجِّهاً اِلٰى جِهَةِ الْكَعْبَةِ الشَّرِيْفَةِ.

یعنی نیت میکنم که سجدهٔ تلاوت قرآن را بجا آرم، بخداوند ایمان آورده ام، به دین مبین اسلام راضی هستم و رو آوردم بطرف کعبه شریفه.

سپس سجده کننده بدون قیام، بالا بردن دست ها و رکوع کردن، مستقیماً به سجده میرود و سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰى رامیخواند. بعداً بدون اینکه سجدهٔ دوم را انجام دهد الله اکبر گویان از سجده بالا شده و می نشیند، در سجدهٔ تلاوت سلام گردانیدن وجود ندارد، فقط بعد از اتمام سجده در حالت نشسته دعا میشود و سجده پایان می یابد.

تمرین

۱- قرآنکریم برکدام پیامبر نازل شده است ؟
۲- سوره های مکی و مدنی ازهم چه فرق دارند ؟
۳- سجدهٔ تلاوت چه وقت واجب میگردد ؟
۴- نیت سجدهٔ تلاوت را بگوئید ؟
۵ - درسجدهٔ تلاوت بعد از نیت چگونه عمل میشود ؟

فصل سوم

عقاید

تعریف عقاید :-

عقاید عبارت از علمیست که از ذات وصفات خداوند (ج) بحث میکند.

ایمان :-

در لغت بمعنیٰ « تصدیق ویقین » میباشد ودر اصطلاح شرع اقرار به زبان وتصدیق به قلب است به خدائی خداوند (ج)، وحقانیت آنچه که ازطرف خداوند (ج) به حضرت محمد (ص)، فرستاده شده وبما رسیده است .

اسلام :-

در لغت بمعنیٰ « تسلیم شدن » وگردن نهادن رامیگویند ودر اصطلاح عموم اسلام عبارت ازهمان آخرین دین آسمانی است که ازجانب خداوند (ج)، برحضرت محمد (ص)، نازل شده وما آنرا پذیرفته ایم .

خداوند ج، فضیلت دین مقدس اسلام را در آیات متعدد قرآنکریم بیان کرده است که بعضی ازین آیات چنین اند: خداوند ج میفرماید. وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ط (۱)

ترجمه: وما اختیار کردیم اسلام را دینی برای شما

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. (۲)

ترجمه: حقیقتاً که بهترین دین در نزد خداوند ج، اسلام است.

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ . (۳)

ترجمه: هر که بغیر از اسلام در طلب دین دیگری است هیچگاه از جانب وی پذیرفته نمیشود یعنی بغیر از اسلام هیچ دینی مورد قبول خداوند ج، نمیباشد.

صفات خداوند تعالی

صفات خداوند ج، بر دو نوع است ۱- صفات ذاتی ۲- صفات فعلی

صفات ذاتی :-

عبارت از صفات خداوندی است که خداوند ج، دارای آنها است ولی

۱- سوره مایده آیه دوم ۲- سوره آل عمران آیه (۱۸) - ۳- سوره آل عمران آیه (۸۴)

هیچگاه ضد آن صفات به خداوند (ج) نسبت داده نمیشود مثلاً «قدرت» که از صفات ذاتی خداوند (ج) است هیچوقت ضد این صفت یعنی عدم قدرت به خداوند (ج) نسبت داده نمی شود زیرا خداوند (ج) بدون شک ذات قدیراست. صفات ذاتی خداوند (ج) هفت بوده و قرار آتی است. ۱- حیات ۲- قدرت ۳- علم ۴- سمع ۵- بصر ۶- کلام ۷- اراده .

۱- حیات :

حیات صفت ذاتی خداوند (ج) بوده و او تعالی پیوسته به این صفت موصوف میباشد زیرا خداوند (ج) همیشه زنده بوده و از مرگ و فنا محفوظ میباشد ازینرو خداوند (ج) به ضد صفت حیات که «مرگ» است توصیف نمیشود این صفت ذاتی خداوند (ج) به آیه ذیل ثابت گردیده است اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَلۡحَیُّ الۡقَیُّوۡمُ ۸

ترجمه : نیست خدائی بجز از خداوند یگانه ، او زنده است و تدبیر کننده عالم.

۲- قدرت :

قدرت همان صفت الهی است که باعث پیدایش مقدورات میگردد یعنی صفتی است که در خلقت همه کائنات موثر است زیرا فقط خداوند (ج) است که قدرت پیدایش ، نگهبانی ، فنا کردن و دوباره زنده کردن همه مخلوقات را دارا

میباشد و ضد این صفت که «ناتوانی» است خداوند (ج) هیچگاه به آن موصوف نمیشود.
این صفت الهی به این آیت مبارکه ثابت گردیده است اِنَّ اللهَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ترجمه: حقاکه خداوند (ج) به انجام هرکاری قادر است.

۳- علم :-

علم صفت ذاتی خداوند (ج) بوده که از روی آن به تمامی اشیائی آشکار و پنهان علم کامل دارد و ضد این صفت که «نادانی» است قطعاً به خداوند (ج) منسوب نمیشود این صفت الهی به آیه مبارکه ذیل ثابت گردیده است:

اِنَّ اللهَ بِکُلِّ شَيءٍ عَلِیْمٌ

ترجمه: حقیقتاً که خداوند (ج) بر همه چیز داناتر است.

۴- کلام :-

کلام صفت ذاتی خداوند (ج) بوده و قرآنکریم بهترین نمونهٔ کلام الهی میباشد ضد این صفت که «گنگ» بودن است بخداوند (ج) نسبت داده نمیشود ثبوت این صفت به آیه مبارکه ذیل میباشد:

۴- وَکَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰی تَکْلِیماً

ترجمه :- وسخن گفت خداوند (ج) با حضرت موسیٰ (ع) با سخن خاص وازلی اش.
زیرا کلام خداوند (ج) هیچ نوع مشابهتی با کلام انسان و دیگر مخلوق ندارد، زیرا
کلام انسان و دیگر مخلوقات فانی و کلام خداوند (ج) همیشه باقی است.

۵ - سمع :-

صفت ذاتی خداوند (ج) بوده و خداوند (ج) می شنود هر آوازی را که بلند باشد یا
آهسته، دور باشد یا نزدیک و او تعالیٰ در همه حال شنوا است "کر" بودن
که ضد سمع است خداوند به آن توصیف نمی شود اثبات این صفت الٰهی
به آیه مبارکه زیر است خداوند (ج) میفرماید :
إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.
ترجمه : به تحقیق که خداوند (ج) بهتر می شنود و بهتر می فهمد.

۱- خداوند (ج) با حضرت موسیٰ (ع) در کوه طور سینا از پشت ابر سخن میگفت.

٦- بصر :-

بصر آن صفت ذاتی خداوند (ج) بوده که با بینش ارتباط دارد یعنی خداوند (ج) با بصیرت دائمی خود همه اشیا را بدون استثنا می بیند ضد این صفت "کور" بودن است که خداوند (ج) به آن موصوف نمی شود. ثبوت این صفت الهی به آیه مبارکه ذیل است خداوند (ج) میفرماید :

إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ .

ترجمه : حقیقتاً خداوند (ج) بیننده است آنچه را که شما می کنید .

٧- إراده :-

اراده نیز یکی از صفات ذاتی خداوند (ج) بوده و فقط خداوند (ج) است که قدرت واقعی و اراده کردن و یا نکردن کاری را دارد و از ضد این صفت که بی اختیاری و اجبار است خداوند (ج) پاک میباشد این صفت به آیه مبارکه ذیل ثابت شده است که خداوند (ج) می فرماید :

فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ .

ترجمه : خداوند (ج) هر آنچه را که اراده کند بوجه نیکو انجام میدهد .

صفات فعلی خداوند (ج)

صفات فعلی عبارت از همان صفاتیست که خداوند (ج)، دارای همان صفات است ولی ضد این صفات نیز به خداوند نسبت داده شده میتواند این نوع صفات خداوند (ج) زیاد است ولی ما طور نمونه سه صفت الهی را در اینجا ذکر می نمائیم.

۱- تخلیق :- بمعنی «پیدا کردن» است

تخلیق از جمله صفات فعلی خداوند (ج) است و خداوند (ج)، هر آنچه را که بخواهد قدرت پیدا کردن آن شی را دارد. ضد این صفت که عدم تخلیق «پیدا نکردن» است خداوند (ج) به آن نیز موصوف میشود زیرا خداوند (ج)، صاحب اختیار است هرگاه پیدایش چیزی را نخواهد آنرا خلق نمی کند.

۲- ترزیق :-

ترزیق بمعنی «روزی دادن» واز جمله صفات فعلی خداوند(ج) است. خداوند(ج) همه مخلوقات خود را روزی میدهد. بر ضد این صفت که «رزق ندادن» است خداوند(ج) موصوف شده میتواند زیرا خداوند(ج) اختیار دارد هرگاه بخواهد به بعضی از مخلوقات خود روزی نمی دهد.

۳- إحیاء :-

احیاء زنده گردانیدن را میگویند، احیاء یکی از صفات فعلی خداوند(ج) بوده و خداوند(ج) است که هر زنده جانی را زندگی می بخشد ضد این صفت که «میراندن» است به خداوند(ج) نیز منسوب میشود زیرا خداوند(ج) بعضی را زنده میکند و بعضی را می میراند.

نبوت :-

نبوت کلام و مژده خداوندی است که توسط جبرائیل امین (ملک وحی) به نبی و رسول رسیده باشد.

ولایت :-

عبارت از خبریست که بطریق الهام در دل ولی انداخته شده و بلا فاصله وجوب قبول و اطمینان را به بار می آورد.

در محیط و چارچوب دین مقدس اسلام گاهی چنان اعمالی واقع میشود که از یکطرف خارق العاده بوده و ازجانب دیگر نبوت نبی و ولایت ولی را ثابت میسازد. بعضی اوقات دامنه وقوع این افعال بحدی وسیع میشود که عموم مسلمانان را در بر میگیرد، این گونه اعمال بنام های معجزه، کرامت و معونت یاد میشود.

۱- معجزه :-

عبارت از همان کار فوق العاده است که بخاطر اثبات حقانیت نبوت نبی بوقوع پیوندد و طور مثال قرآنکریم معجزه پیغمبر آخرالزمان حضرت محمد ص، است، آنحضرت بخاطر اثبات رسالت و نبوت خویش معجزه قرآنکریم را طوری به عرب ها نشان داد که باوجودیکه عربها در ادبیات لسان عربی و نظم و نثر خیلی پیشقدم بودند. ولی نتوانستند حتیٰ جمله کوچکی را مثل قرآنکریم بسازند.

۲- کرامت :-

عبارت از آن کار غیر عادی است که توسط یک شخص مسلمان ومتقی برای انسانان دیگر آشکار میگردد ولی مشروط بر اینکه صاحب کرامت دعوای پیغمبری نه نماید . مثل قصه همان شخص مسلمان ومتقی که در اثنای یک چشم زدن تخت ملکه بلقیس را به حضرت سلیمان (ع) حاضر کرد واین قصه در قرآنکریم ذکر شده است.

۳- معونت :-

عبارت از چیزیست که برای همه مسلمانان حاصل شده میتواند . چنانچه مسلمانی هنگام سختی ومصیبت بخاطر رهائی از آن مشکلات از بارگاه خداوند (ج) کمک می طلبد . وخداوند (ج) دعای آنرا قبول مینماید ومشکلاتش را رفع می کند اما کارهای دیگری نیز انجام می پذیرد که فوق عادت میباشند ولی در چارچوب اسلام نبوده ومحیط اسلامی از آن محفوظ وممنوع ساخته شده است مثل سحر واستدراج واهانت .

۱- سحر واستدراج :

عبارت از همان کار غیر عادی است که توسط یک شخص نا مسلمان اجرا میشود وبه ادعای آن شخص نیز مطابقت دارد مثلاً زمانی که جادوگران وساحران در

مقابله با حضرت موسیٰ (ع) از ریسمان مار ساختند و سرانجام در مقابل معجزه عصای حضرت موسیٰ (ع) شکست خوردند و ایمان آوردند .

۲- اهانت :-

اهانت نیز کار خارق العاده است ولی با ادعای فاعل آن مطابقت ندارد چنانچه وقتی مسلمهٔ کذاب به دروغ دعوی پیغمبری را نمود ، مردم از او بخاطر ثبوت پیغمبری اش خواستند تا بطور معجزه یک چشم کج شدهٔ شخصی را جور کند ، زمانیکه مسلمهٔ کذاب سعی کرد تا یک چشم کج شخص مذکور را راست سازد چشم سالم این شخص نیز کج گردیده و مسلمهٔ کذاب بیشتر از پیش رسوا شد .

تمرین

۱- عقاید از چه بحث میکند ؟

۲- ایمان و اسلام ازهم چه فرق دارد ؟

۳- صفات خداوند تعالی بر چند قسم است ؟

۴- صفات ذاتی خداوند (ج) ، چند است ؟

۵- نبوت ، معجزه وکرامت چه را گویند ؟

۶- معونت چه را گویند ؟

۷- سحر و استدراج و اهانت ازهم چه فرق دارد ؟

۸- پنج صفات فعلی خداوند تعالی را نام ببرید ؟

۹- ازروی چه میدانید که اسلام بهترین دین است ؟

۱۰- توسط کدام آیت ثابت میشود که اراده صفت ذاتی خداوند (ج) است ؟

فصل چهارم

فقه

تعریف فقه :- فقه درلغت بمعنیٰ دانش است و دراصطلاح شرع علمیست که طریقهٔ عمل کردن به احکام شرعی را مورد بحث قرار میدهد .

فقیه :-

عبارت از عالمیست که درمورد احکام شرعی مطالعه ومعلومات کافی داشته باشد .

روزه

روزه درلغت منع وخودداری رامیگویند ودراصطلاح شرعی عبارت از امتناع شخص مسلمان ازخوردن، نوشیدن ودیگرافعال ناجائزاست طوریکه ازطلوع صبح صادق تاغروب آفتاب بانیت روزه ، ازافعال مذکور خودداری نماید .

اقسام روزه

۱- روزه گرفتن در ماه رمضان فرض است.

۲- روزه گرفتن کفّاره[۱] و نذری واجب است.

۳- روزه داشتن در ایامی چون عاشورا و عرفه نفل شمرده میشود.

برای هرکدام از اقسام روزه نیت کردن از جانب شب مستحب است.

هرگاه کسی نیت روزه را در شب فراموش کرد از طرف روز تا وقتیکه آفتاب زوال نکرده باشد نیت او صحیح میشود.

مگر نیت دو نوع روزه از طرف روز قطعاً درست نیست یکی قضاء ماه رمضان و دیگری روزه گرفتن برای نذر غیر معین یعنی اینکه یک روز روزه را نذر کند ولی روز آنرا معین نه نماید.

هرگاه کسی در ماه مبارک رمضان به فراموشی چیزی را نوشید، خورد و یا جماع کرد به روزهٔ او نقصان نمی رسد و روزهٔ او درست است ولی اگر این اعمال را قصداً انجام دهد

۱- کفارهٔ روزه عبارت از دو ماه روزه گرفتن پی در پی یا شصت مسکین را به مقدار صدقهٔ فطر طعام دادن و یا به اندازه ستر عورت لباس دادن و اگر غلام باشد یک غلام را آزاد کردن است.

برعلاوهٔ قضائی کفاره نیز براو لازم میگردد. وهرگاه اعمال مذکور بطور خطاء از او سر بزند دراینصورت تنها قضائی بروی لازم بوده وکفاره براو نیست.

هرگاه برکسی درنیم روز (ظهر) روزه فرض شد مثلاً کافری هنگام ظهر مسلمان شد یاکودکی بالغ شد همین نصف روز و باقی ایام رمضان را روزه بگیرد و از قضائی روز های گذشته معاف میباشد.

فرضیت روزه

هرسال قمری دارائی (۱۲) ماه بوده که ازآن جمله یکماه کامل آن ماه مبارک رمضان میباشد وهرمسلمان مکلف است تا دراین ماه طوری درپی و بدون وقفه تاآخرماه روزه بگیرد.

فرضیت روزه به آیه مبارکه ذیل ثابت میباشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱)

ترجمه: ای آنانیکه ایمان آورده اید روزه گرفتن ماه مبارک رمضان برشما فرض گردیده است چنانچه روزه داشتن این ماه برامت های قبل ازشما نیز فرض بوده است باگرفتن روزه متقی خواهید شد.

۱- سوره بقره آیه (۱۸۳) -

در آیه دیگر خداوند بزرگ به گرفتن روزه صریحاً حکم می کند :

فَمَنْ شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ (۱)

ترجمه : وای مومنان ، هرکه از جمله شما این ماه را ببیند یعنی شاهد این ماه شود، پس حتماً آن ماه را روزه بگیرد .

نماز تراویح

در ماه مبارک رمضان بعد از آنکه فرض و سنت نماز خفتن خوانده شود قبل از ادای وتر واجب (۲۰) رکعت نماز تراویح با جماعت ادا میگردد . بعد از ختم تراویح وتر واجب نیز به جماعت[۲] اداء میشود ، حضرت محمد ص ضمن نماز تراویح یکبار ختم قرآن عظیم الشان را نیز مینمود ازینرو تراویح و ختم قرآن کریم در ماه رمضان بر ما سنت میباشد .

اعتکاف :-

هرگاه شخص روزه دار در ماه رمضان شب و روز خود را در گوشهٔ از مسجد جامع بعبادت

۱- سوره بقره آیه (۱۸۵) ۲- خواندن وتر واجب بجماعت فقط در ماه رمضان است در سائر شب ها تنها ادا میشود.

بگذراند این عمل وی اعتکاف نامیده میشود . معتکف باید در جریان اعتکاف خویش همیشه ذکر خداوند (ج) را نموده و تلاوت قرآن نماید . بدون ضرورت از مسجد خارج نه شده و با خانم خود نیز یکجا نشود . هرگاه معتکف اصول فوق را مراعات ننماید اعتکاف وی باطل میشود ، مدت اعتکاف مربوط به نیت معتکف میباشد ، هرچند روز را که نیت کند اعتکاف همان روزها و شب ها بصورت مسلسل بر او لازم میشود .

فوائد روزه

گرفتن روزه بر علاوه اجر و ثوابی که خداوند (ج) ، در آخرت به روزه دار میدهد ، در دنیا و در ساحه زندگی انسان نیز دارای فوائد فردی ، اجتماعی و صحی میباشد .

فوائد فردی روزه :-

روزه دار با گرفتن روزه با تشنگی و گرسنگی مقابل شده و با آن عادت مینماید هرگاه در طول زندگی با فقر و تنگدستی رو برو میشود با صبر و حوصله تمام در مقابل آنها مقاومت می کند و خود رانمی بازد ولی برخلاف آن هرگاه کسی به روزه گرفتن عادت نباشد ، هنگام مقابل شدن با مشکلات گرسنگی و تشنگی ،

صبر و استقامت را از دست داده شیرازه زندگی او از هم می پاشد.

فوائد اجتماعی روزه :-

مسلمانان ثروتمند که همیش زندگی آسوده و آرامی دارند وقتیکه درین ماه روزه میگیرند و درنتیجه گرسنه و تشنه میشوند خود بخود متوجه میگردند که فقرا همیشه درهمین گونه سختی های گرسنگی و تشنگی بسر میبرند لذا در دل آنها ترحم جا گرفته و بر فقرا دلسوزی کرده و از مال و دارائی شان با آنها کمک می نمایند وطبعاً وقتی که فقرا کمک و همدردی ثروتمندان را بینند خرسند گردیده و یکنوع دوستی و صمیمیت بین مردم فقیر و ثروتمندان بوجود می آید و هرکدام آنها درکنار هم آسوده و آرام بسر می برد که این خود باعث سعادت و خوشبختی یک جامعه میگردد.

فوائد صحی روزه :-

روزه گرفتن دارای فواید ذیل برای بدن انسان میباشد!

۱- معدهٔ انسان که در طول یکسال ظرف یازده ماه از مواد خوردنی و نوشیدنی پر میباشد و جگر هم مجبور میشود تا مواد تیزابی کیسهٔ صفرا را هنگام خوردن آماده کرده و بر آن مصرف نماید ولی در ظرف یکماه رمضان مواد تیزابی کیسه صفرا در معده

ریخته و اشیاء خورده شده قبلی را که درمعده جمع شده است بکلی هضم مینماید و معده تماماً پاک میشود .

۲- در مدت معین سال رمضان کم خوردن و کم نوشیدن بهترین راه تداوی بیماری میباشد .

۳- بیماریهای جهاز هاضمه ، گرده و جگر که با ادویه تداوی نمیشود باگرفتن روزه بشکل خوبی معالجه میشود .

۴- یگانه تداوی خوبتر سوء هاضمه ، روزه گرفتن است .

۵- یکنوع بیماری خاص جگر که بنام «زرده» یاد میشود باگرفتن روزه ازبین میرود زیرا این نوع بیماری اکثراً به سبب خستگی جگر پیدا میشود چون هرگاه جگر زیاد کار نماید مواد صفرا ازخون جدا نمیشود .

۶- درماه مبارک رمضان نسبت کم خوراکی اشتهای روزه دار خوب میشود، درصورت خوب شدن اشتها بعد از هضم مواد خورده شده ، مواد کیمیاوی مورد ضرورت بدن به شکل خوبتری بوجود انسان جذب شده و به صحت مفید واقع میشود .

۷- رسول خدا حضرت محمد (ص) ، نیز درمورد روزه فرموده است صُومُوا تَصِحُّوا

ترجمه : روزه بگیرید که صحت یاب شوید .

۸- اکثر طبیبان طب قدیم نیز بخاطر ازبین بردن بعضی ازبیماریها روزه گرفتن را به

می دانست گفته اند که روزه گرفتن روح انسان را تربیه و پرورش مینماید، روح وبدن انسان را از بیماریها نجات داده واراده انسان را مستحکم میسازد .

تمرین

۱- در جملات آتی در پایان عبارت صحیح خط (ــ) بکشید .

الف : روزه رکن اول اسلام است .

ب : روزه رکن چهارم اسلام است .

ج : روزه رکن پنجم اسلام است .

د : روزه رکن سوم اسلام است .

۲- الف : فرضیت روزه به آیت شریف ثابت گردیده است .

ب : فرضیت روزه به اجماع شریف ثابت گردیده است .

ج : فرضیت روزه به حدیث شریف ثابت گردیده است .

د : فرضیت روزه به قول امام ابوحنیفه "رح" ثابت گردیده است

۳- نیت کردن برای کدام قسم روزه از طرف شب ضروری است و نیت کدام نوع روزه از طرف روز نیز جواز دارد ؟

۴- اقسام روزه را توضیح نمائید ؟

۵- فواید فردی ، اجتماعی وصحی روزه را بیان کنید ؟

۶- الف : ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح فرض است .

ب : ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح سنت است .

ج : ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح واجب است .

د : ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح جایز است .

فصل پنجم

حج

رکن پنجم اسلام حج است که حالا آنرا مورد بحث قرار میدهیم.

تعریف:

حج، در لغت بمعنیٰ، قصد و نیت را میگویند و در اصطلاح شرع عبارت است از بجا آوردن مراسم مخصوص در جاهای معین و در اوقات معین.

اوقات معینه حج عبارت از ماهای، شوال، ذیقعده و ده روز از ذی الحجه میباشد.

فرضیت حج

فرضیت حج بنابراین آیه مبارکه ثابت گردیده است:

وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا - سوره آل عمران آیه ۹۶

ترجمه: برآنعده از مسلمانانی که سفر به و کرایهٔ راه دارند فرض است که خاص برای خدا حج، به حج

بیت الله بروند حج بر آن مسلمان، آزاد، عاقل، بالغ و ثروتمندی لازم است که قدرت کرایه و سفریه را دارا بوده و برای اولادها و فامیل خود اضافه از ضرورت اصلی شان تا پایان موسم حج نفقه داشته باشد و امنیت راه نیز تأمین باشد و اما بر آن زن مسلمانی که طبق شرایط فوق حج براو فرض گردد و مسافه بین بیت الله شریف و خانه اش بقدم پیاده مدت سه شبانه روز باشد برای زن ضروری است تا شوهر یا محرم شرعی وی با او باشد و درغیر آن حج زن بصورت تنهائی صحیح نمیشود.

حضرت محمد (ص) میفرماید: هر آنکه حج براو فرض شود و آنرا ادا نه کند مرگ او چون مرگ یهودی یا نصرانی خواهد بود.

اقسام حج

حج بر سه قسم است ۱- حج قران ۲- حج تمتع ۳- حج مفرد

۱- حج قِران :-

هرگاه حاجی در وقت احرام بستن نیت حج و عمره را به یک احرام بنماید این حج بنام حج قران یاد میشود نیت حاجی قِران چنین است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهُمَا لِیْ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ.

ترجمه: ای خدایا من نیت حج و عمره رامیکنم، هردو را بما آسان گردان و هردو را از

جانب من قبول بفرما .

بعد از نیت حاجی شروع به گفتن تلبیه می نماید، تلبیه چنین است :

لَبَّيْكَ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَاشَرِيْكَ لَكَ لَبَّيْكَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَاشَرِيْكَ لَكَ .

ترجمه : ای بار خدایا به اطاعت تو حاضر ایستاده ایم ، خدایا به اطاعت تو اماده ایم "تاکید" به اطاعت تو حاضر ایستاده ایم ، ترا شریک نیست، برای اطاعت تو ایستاده ایم ، تمامی حمد وثنا تراست ، نعمت ها از توست پادشاهی از توست ، و ترا هیچ شریکی نیست .

۲- حج تَمَتُّع :-

عبارت از حجی است که حاجی احرام عمره را جدا واحرام حج را جدا ویکی پی دیگری بسته کند قسمیکه ابتدا از میقات برای عمره احرام بسته کرده ووقتیکه به حرم شریف میرسد طواف بیت الله را نموده و در مقام ابراهیم (۲) رکعت نماز می خواند وبعد از سعی بین صفا ومروه خود را حلال کرده یعنی از احرام عمره خارج شده در مکه اقامت می گزیند وهنگامیکه روز هشتم ذی الحجه برسد بعداً غرض ادای حج احرام خود را از حرم شریف بسته می نماید .

(نیت عمره)
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهَا لِیْ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّیْ ط

ترجمه :- ای بار خدایا من نیت عمره را میکنم برایم آسان گردان و ازمن قبولش بفرما.

حج مفرد :-

هرگاه حاجی در حین احرام بستن ازمیقات تنها نیت حج کند این نوع حج بنام حج مفرد یاد میشود. نیت این حج چنین است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّیْ

ترجمه :- ای پروردگارا ! من نیت ادای حج میکنم آنرا برایم آسان بگردان و از طرف من قبولش نما.

میقات

جائی که حاجی به نیت حج یا عمره از آن احرام می بندد بنام میقات یاد میشود. از اینکه راه های متعددی از هر طرف به بیت الله شریف میرسد لذا در هر سمت میقات های مختلفی وجود دارند مثلاً از راه مدینه میقات احرام در مقام « ذوالحلیفه » است

در راه عراق مقام « ذات عرق » است در راه شام میقات مقام « جحفه » است ، در راه نجد « قرن » و در راه یمن « یلملم » میقات است ، هرگاه کسی بجاهای فوق نا رسیده احرام ببندد روا است و همچنان اگر خانهٔ کسی دربین میقات و مکه باشد برای او میقات ، مقام « حل » است . ولی اگر خانه حاجی در داخل مکه باشد ، میقات احرام عمره برای وی زمین « حل » بوده و میقات احرام حج خود حرم شریف است اما حاجی هایکه از آنطرف میقات به مکه می آیند باید از مواضع ذکر شده بدون احرام طرف مکه شریف نگذرند ورنه ترک واجب میشود .

طریقهٔ اداکردن حج

مسائل ضروری راجع به حج :-

هرگاه شخصی قصد ادا نمودن حج را مینماید اولتر از همه وضو یا غسل کند (غسل کردن بهتر است) ، بعداً یک لنگ یا چادر راکه جدید بوده و یا پاک شسته شده باشد بپوشد و خوشبوئی نیز استعمال نماید ، بعد از ادای دو رکعت نماز نیت حج نماید

ا- حل : زمینیکه از حرم خارج است

در پایان نیت حج به شکل کامل تلبیه بگوید باگفتن تلبیه حاجی محرم شمرده شده و از سخنان لهو ولعب ، جنگ کردن ، ذبح کردن ، شکار کردن ، یا اشاره به شکار ، پوشیدن پیراهن وتنبان ، به سر کردن کلاه وپیچاندن دستار ، استعمال خوشبوئی ، تراشیدن موها ، قطع کردن ناخن ها ، پوشیدن موزه هایکه شتالنگ ها را بپوشاند خودرا نگاه کرده و پرهیز نماید .

اما رفتن به حمام (غسل کردن) وبستن کمربند جائز است ، هرگاه حاجی احرام بست بعد از هر نماز تلبیه را خیلی زیاد بگوید مخصوصاً حینکه به جاهای مرتفع بالا میشود ویا به جاهای عمیق پایان میگردد. وقتیکه حاجی بمکه رسید بمجرد دیدن خانه کعبه چنین تکبیر وتهلیل بگوید : لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
بعداً رو بطرف حجرالاسود نموده تکبیر، تهلیل و درود بگوید ، بعداً دست ها را بطرف گوش ها بلند کرده واگر قدرت داشته باشد حجرالاسود را لمس و مسح نماید.
بعداً از طرف راست به طواف بیت الله وحطیم[1] شروع کرده وهفت بار طواف نماید ، در سه طواف اول به چالاکی طواف کند و در چهار گردش اخیر رفتار عادی داشته باشد اگر ممکن بود در آخر هر گردش یکبار حجرالاسود را مسح وبوسه کند ولی اگر قدرت نداشت که مسح کند روبروی حجرالاسود ایستاده

۱- محلی است که مربوط به داخل خانه کعبه میباشد.

شده توسط بالاکردن دست یا عصا به قسم مسح بسوی حجرالاسود اشاره نماید.
این طواف سنت بوده و بنام طواف قدوم یاد میشود بعد ازین طواف حاجی دو رکعت نماز نفل را در مقام ابراهیم یا هر قسمت دیگر مسجد که ممکن باشد ادا نماید بعداً به کوه صفا می برآید و در آنجا رخ بطرف کعبه کرده تکبیر و تهلیل می گوید. و در آنجا نیز با بلند کردن دست ها برای خود و سائر مسلمانان دعا و طلب خیر نماید بعداً به رفتار عادی خود بطرف «مروه» پائین شده و وقتیکه بین دو میل سبز برسد در آنجا دویده و به کوه مروه بالا میشود وقتیکه به کوه مروه بالا شد باز هم رو بطرف کعبه شریفه کرده تکبیر گویان برای خود و دیگر مسلمانان دعا نماید. این رفت و آمد بین صفا و مروه از صفا آغاز شده و به مروه ختم میگردد، طواف بین صفا و مروه (۷) هفت مرتبه بوده به قسمیکه هر بار رفتن از صفا به مروه یک طواف محسوب شده و دوباره آمدن از مروه به صفا طواف دومی حساب میشود.

مناسک روز هشتم ذی الحجه :-

حاجی بروز هشتم ذی الحجه که بنام «ترویه»[۱] یاد میشود.

۱- چون در شب یوم مذکور (ترویه) حضرت ابراهیم (ع) در خواب مامور گشت تا فرزندش اسمعیل (ع) را ذبح کند و ابراهیم (ع) در این خواب شک داشت و ترویه نیز شک را میگوید، ←

بعد از ادای نماز صبح به منیٰ شریف رفته وشب را در همان جا میگذرانند

مناسک روز نهم ذی الحجه :-

حاجی در روز نهم یعنی روز عرفات به میدان عرفات رفته وبعد از زوال آفتاب ، نمازهای ظهر و دیگر را به یک آذان و اقامت پی در پی به یک وقت بجماعت ادا نماید و هرگاه کسی نماز را بدون جماعت می خواند باید نماز هر وقت را به وقت معینه اش ادا نماید . بعداً در کوه عرفات که بنام جبل الرحمت ، یاد میشود ایستاده شده ، با عجز کامل وتضرع دعا و زاری نماید ، بجز از محلی بنام « بطن عُرَنَةً » حاجی میتواند در هرجای از میدان عرفات که خواسته باشد ایستاده شود . وقتیکه آفتاب غروب کرد حاجی بطور آرام از عرفات به مزدلفة شریف برود وآنجا در نزدیکی مشعر الحرام شب بگذراند و در این محل شب گذراندن مستحب است .

پس روز هشتم ذی الحجه روز ترویه نامیده شده به روز نهم ذی الحجه که بعد از خواب دیدن ابراهیم (ع) ، موضوع ذبح روشن شده آنروز را بنام روز عرفه یاد کردند ، و روز دهم که ذبح اسمٰعیل (ع) ، اقدام نمود آنرا بنام روز نحر یا روز اول عیداضحیٰ نامیدند .

درهمین جا است که حاجی ها نمازهای شام وخفتن را طور یکجائی در وقت خفتن به یک آذان و یک اقامت ادامی نمایند. اگر کسی نماز شام خود را در عرض راه عرفات الی مزدلفه طور تنهائی خوانده باشد نماز خود را اعاده نموده با امام بخواند.

مناسک روز دهم ذی الحجه در مزدلفه :-

حاجی ها نماز صبح را در تاریکی با جماعت ادا نمایند و برای خود و سائر مسلمین دعا کنند. حاجیان میتوانند بجز از مقام «بطن محسر» در هر قسمت از مزدلفه برای دعا ایستاده شوند. بعداً حجاج قبل از طلوع آفتاب جهت زدن جمره «عقبه» بطرف منیٰ شریف حرکت بنمایند و در آنجا جمره عقبه را با هفت سنگ ریزه بزنند و بعد از فراغت از زدن جمره حاجی ذبح میکند و موهای سر و سنت خود را بتراشد.

بعداً حاجی درهمین روز اوّل یا روز دوم و سوم عید به بیت الله شریف رفته و از آن طواف کند این طواف فرض بوده و بنام طواف زیارة یاد میشود، انجام کردن این طواف بعد از روز سوم عید مکروه میباشد و در آنصورت بر حاجی دم « ذبح مال » لازم شود.

مناسک روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجه :-

حاجی ها در این روز بعد از ظهر " بعد از زوال بار دیگر بطرف جمره ها رفته و هر سه جمره را با سنگ های خورد می زنند هنگام سنگ زدن بطرف جمره ها تکبیر گفته و بعد از تمام کردن زدن جمره ها دعا و طلب مغفرت مینمایند. زدن جمره ها از همان جمرهٔ شروع میشود که به مسجد "خنیف" نزدیکتر است و در اخیر جمره عقبه را سنگ بزنند سپس حاجی ها بدون تأخیر بطرف مکه میروند و در محلی بنام "محصب" پیاده شده و داخل حرم شریف میشوند و به طواف بیت الله شریف بدون تیز رفتاری آغاز می کنند این طواف نیز هفت گردش بوده و بنام طواف "صدر" یا طواف وداع یاد میشود که فقط بر حاجیانی واجب است که از مناطق دورتر و سائر نقاط جهان به مکه معظمه می آیند و بر آنعده حجاجیکه در مکه سکونت دارند طواف صدر واجب نیست.

تذکر :-

هرگاه کسی در اول حج دیرتر به مکه برسد و نسبت کمبود وقت طواف قدوم را فوت نموده و مستقیماً به عرفات برود هیچ جزائی براو لازم نمی شود.

هرگاه کسی بعد از زوال آفتاب در روز عرفه الی طلوع صبح فرصت ایستادن

بعرفات را دریافت نماید حج او صحیح و ادا گردید .

حکم مناسک حج برای زن در تمامی حالات فوق مثل مرد ها است و تفاوت مناسک در مورد زن فقط اینست که زن ها سر خود را لچ نمی کنند و آواز خود را بلند نمی نمایند ، و در بین دو میل سبز هنگام سعی بین صفا و مروه تیز رفتاری نمی کنند و نیز زن ها بخاطر احرام موهای سر خود را نمی تراشند بلکه اندکی کوتاه می کنند . زن در تمام مراسم حج روی خود را برهنه نگهمیدارد ولی درصورت مخالفت براو دم یا صدقه لازم میشود و بس.

ارکان - واجبات و سنت های حج

ارکان حج :- عبارت از آن افعال یا مناسکی است که اگر حاجی آنرا ترک نماید حج او صحیح نشده و باطل میگردد . ارکان حج به اتفاق علماً دو رکن است .

۱- ایستادن بعرفات

۲- طواف زیارت یا طواف افاضه .

و نزد عده از علماً « احرام » نیز از جمله ارکان میباشد .

ب :- واجبات حج عبارت از افعالی است که اگر یکی از آنها ترک شود بر حاجی ذبح یک حیوان لازم میشود اگر قادر به ذبح کردن حیوان نبود « قدرت اقتصادی » نداشت در اینصورت (۱۰) ده روز روزه بگیرد که ازین جمله سه روز روزه در مکه و هفت روز روزه هنگام رسیدن بخانه گرفته میشود .

واجبات حج شانزده اند که قرار آتی بیان میشود :

۱- بستن احرام از میقات .

۲- مزاحم نشدن کسی هنگام طواف ها .

۳- اداکردن دو رکعت نماز بعد از طواف .

۴- با وضو طواف کردن .

۵- شروع کردن طواف از حجرالاسود .

۶- طواف کردن به اطراف بیت الله وحطیم .

۷- رفت وآمد سعی، بین صفا ومروه .

۸- شروع کردن طواف یا همین رفت وآمد ازطرف صفا وختم آن به مروه .

۹- هفت بار رفت وآمد بین صفا ومروة .

۱۰- بعد از زوال روز عرفه تا غروب آفتاب به عرفات ایستادن .

۱۱- یک لحظ ایستادن نزدیک مشعرالحرام درمزدلفه شریفه .

۱۲- سنگ زدن جمرهٔ عقبه در روز های عید .

۱۳- تراشیدن موها و یا کوتاه نمودن آن در پایان حج یا عمره .

۱۴- میان ذبح حیوان در روز اول عید و تراشیدن موها مراعات کردن ترتیب است یعنی اول ذبح بعد تراشیدن موها است .

۱۵- نیت برای سعی صفا و مروه .

۱۶- انجام دادن طواف صدر .

ج- سنت های حج :-

سنت های حج عبارت از مناسکی است که هرگاه حاجی یکی از آنها را قضا کند بر او فدیه لازم میشود و مقدار فدیه از طرف دو شخص مسلمان، متقی و عادل تعیین میگردد و سنت های حج چارده اند که ذیلاً تشریح میشود .

۱- غسل کردن بخاطر احرام بستن .

۲- استعمال خوشبوئی هنگام بستن احرام .

۳- تلبیه گفتن .

۴- طواف قدوم .

۵- چابکی کردن در هر آن طوافیکه قبل از سعی بین صفا و مروه باشد .

۶- در هنگام طواف کردن مثل پهلوان دور زدن .

۷- نیت کردن برای طواف ها .

۸- گردش های طواف .

۹- گردش های طواف را طور مسلسل وپی در پی انجام کردن .

۱۰- پی در پی اداکردن گردش های بین صفا ومروه .

۱۱- بخاطر ایستادن به عرفات شب قبل از روز عرفه را در منیٰ شریف گذشتاندن.

۱۲- در جریان ایستادن بعرفات نماز های ظهر وعصر را طور یکجایی در وقت ظهر بجماعت خواندن .

۱۳- بعد از عرفات در مزدلفه شب گذراندن .

۱۴- در عرفات در نزدیکی سنگلاخ ایستادن

تمرین

۱- حج را تعریف نمائید ؟

۲- حج برکدام شخص فرض است ؟

۳- حج چند قسم میباشد ؟

۴- آیا زنها بطور تنها و بدون محرم به حج رفته میتوانند یا خیر ؟

۵- حاجی چه وقت مُحرِم شمرده میشود ؟

۶- حاجی درحین دیدن کعبه باید چه بگوید ؟

۷- جواب صحیح را نشانی کنید .

الف :- دو رکعت نماز در وقت طواف باید نزدیک دروازهٔ کعبه ادا شود .

ب :- دو رکعت نماز در وقت طواف باید نزدیک باب الفتح ادا شود .

ج :- دو رکعت نماز در وقت طواف باید نزدیک مقام ابراهیم (ع) ادا شود .

د :- دو رکعت نماز در وقت طواف باید نزدیک در هر جا که امکان دارد ادا شود .

۸- جواب درست را دریابید :

الف : طواف از مقام ابراهیم (ع) شروع میشود .

ب : طواف از حطیم شروع میشود .

ج : طواف از حجرالاسود شروع میشود .

د : طواف از رکن یمانی شروع میشود .

۹ : درعرفات ومزدلفه درکدام جا ها ایستادن روانیست نامهای آنها رابگیرید ؟

۱۰ : هرگاه طواف قدوم راکسی ترک کند چه حکم شرعی لازم میشود .

۱۱ : ازجواب صحیح علامت بکشید .

الف :- درشام روزعرفه حجاج مستقیماً به صفا و مروه میروند .

ب :- درشام روزعرفه حجاج مستقیماً به منیٰ میروند .

ج :- درشام روزعرفه حجاج مستقیماً به مزدلفه میروند .

د :- درشام روزعرفه حجاج مستقیماً به حرم شریف میروند .

۱۲ : درکدام حالات است که زن بامرد درادای مناسک حج فرق دارد ؟

۱۳ : برعبارت صحیح علامت (✓) بگذارید :

الف : ارکان حج عبارت است ازسعی صفاومروه وایستادن بعرفات .

ب : ارکان حج عبارت است ازطواف قدوم وایستادن بعرفات .

ج : ارکان حج عبارت است ازطواف صدر وایستادن بعرفات .

د : ارکان حج عبارت است ازطواف افاضه وایستادن بعرفات .

۱۴ : غسل کردن هنگام احرام بستن

الف : واجب است .

ب : فرض است .

ج : سنت است .

د : مستحب است .

فصل ششم

یمین یا قسم خوردن

یمین در لغت عربی بمعنی «دست راست»، قوت و قسم است که بعداً در بین عرب تنها بمعنی قسم باالله معروف شده است. به اساس علم فقه کلی این معانی با هم ارتباط دارند. زیرا قبل از ظهور دین اسلام عربها بمنظور استحکام وتقویه قول خویش یکدیگر را از دست راست میگرفتند چنانچه این عادت تاهنوز بین مردمان کشور ما نیز رواج دارد که در وقت دادن وعده مستحکم، به یکدیگر دست راست داده واین عمل را بنام قول یاد میکنند وقسم خورنده سعی میکند تا با قسم خوردن قول خود را تقویت داده واعتماد خود را بین مردمان افزایش بدهد. عادتاً هم دست راست نسبت به دست چپ قوی بوده واین نشان میدهد که قول با یمین محکم تر از دیگر قول ها است.

تعریف یمین :-

مستحکم نمودن سخن و تصمیم خود توسط نام خداوند (ج)، وصفات ذاتی او تعالی را قسم می نامند قسم خوردن بجز از نام خداوند (ج)، وصفات ذاتی باریتعالی بر دیگر چیز ها جواز ندارد .

حکمت شرعی در یمین

۱- به قول و تعهد خود با ایمانداری کامل عمل کردن و وفا نمودن .

۲- نگهداشت عزت و آبروی نام وصفات خداوند (ج) .

دلائل ثبوت یمین

یمین بوسیلهٔ قرآنکریم، سنت نبوی واجماع امت مسلمان ثابت گردیده است .

۱- اثبات یمین توسط آیت : لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيٓ أَيْمَانِكُمْ وَلٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ ط (سوره مائده آیة (۸۹)

ترجمه : عذاب نمی کند شما را خدا به سوگند لغو شما ولیکن عذاب میکند شما را به آنچه ببندید سوگند ها را (یمین غموس ومنعقده)

۲- اثبات یمین به حدیث پیغمبر

احادیث زیادی در قسمت تائید یمین آمده است که بطور مثال یک حدیث پیغمبر (ص)، را در همورد ذکر مینمائیم.

وَاللهِ لَأَغْزُوَنَّ قُرَيْشاً،

یعنی قسم بخداوند (ج)، که با طائفه قریش حتماً جهاد و غزا خواهم کرد، همچنان رسول الله (ص)، اکثر اوقات اینچنین جملاتی را استعمال کرده است.

لَا وَمُقَلِّبِ الْقُلُوبِ

یعنی نه چنان است وقسم به ذاتی که گرداننده دلها است.

۳- اجماع:

از ابتدا دین مبین اسلام تا الحال همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که یمین روا میباشد.

شرایط یمین

قسم با شرایط آتی صحیح بوده وقسم بالله محسوب میشود .

۱ـ قسم خورنده انسان عاقل وبالغ باشد قسم ازجانب دیوانه وکودک درست نیست .

۲ـ قسم خور باید نیت قسم نموده باشد بدون نیت قسم صحیح نیست.

۳ـ باید قسم بر چیزی خورده شود که در نزد عقل و عادت واجب وثابت نبوده ولی ممکن باشد .

اقسام یمین

یمین بر سه نوع بوده که عبارت است ازیمین غموس ـ یمین منعقد ویمین لغو

۱ـ یمین غموس : (قسم دروغین) با این نوع قسم شخص قسم خورنده قصد میکند که انجام کاریرا دروغ بگوید یعنی کار انجام نشده را به دروغ انجام شده نشان دهد مثلاً می گوید که بخدا قسم که احمد کشته شده است درحالیکه خوب میداند که احمد زنده است وهیچ نقصانی به او نرسیده .

۲- یمین لغو :

یمین لغو بر دو نوع است :

الف :- قسم خوردن به عمل گذشته به ترتیبی که قسم خورنده فکر میکند سخن او حقیقت دارد در حالیکه او اشتباهاً کرده است چنانچه میگوید قسم بخدا دیروز بخانه خالد رفته ام در حالیکه او بخانه احمد داخل شده و فکر کرده که خانه خالد است .

ب :- قسمی که هنگام اراده کاری عادتاً استعمال شده و اراده را تقویت میکند . استعمال این نوع قسم ها در زندگی روزمره ما زیاد است مثلاً میگوئیم والله کار دارم ، والله که می آیم ، والله از دستم کار نمیشه .

حکم یمین لغو :-

خداوند ج ، بر این نوع قسم بنده ها را عذاب نمی کند چنانچه خداوند ج ، میفرماید: لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ . یعنی خداوند شما را به قسم های لغو مواخذه نمی کند .

۱- یمین لغو: سوگندیست که قسم خورنده به آن علم ندارد و یا عادتاً آنرا استعمال مینماید .

۳- یمین منعقده :-

قسم خوردن به انجام کاری در زمان آینده بنام یمین منعقد یاد میشود مثلاً اینکه میگوید قسم بخدا که فردا نان نمی خورم یا قسم بخدا که فردا از خانه خارج نمیشوم این نوع قسم را در سه بخش مورد مطالعه قرار میدهیم .

۱- قسم خوردن به واجبات شرعی : مثلاً شخصی بگوید قسم بخدا که امروز نماز ظهر را ادا میکنم در حالیکه ادای نماز ظهر بدون قسم براو فرض و لازم است درین قسمت برقسم خورنده لازم است تا در ادای نماز عجله نماید و اگر نماز از نزد او قضا شد قسم را نقض کرده و کفارهٔ قسم براو لازم میشود .

۲- قسم خوردن به ممنوعات شرعی :-

مثلاً شخصی به انجام کار ناجائز قسم میخورد و میگوید بخدا قسم که امروز اکرم را میکشم در حالیکه بدون جواز شرعی (قصاص) کشتن شخص مسلمان ناروا است درین قسمت قسم خورنده باید قسم خود را بشکند و کفاره قسم را بدهد زیرا در نقض چنین قسم ها خیر و فایده است .

۴- قسم به افعال مباح :-

مثلاً شخصی به انجام کردن چنین کاری قسم بخورد که کردن و نکردنش هردو جائز باشد چنانچه بگوید قسم بخدا که فردا با احمد ملاقات میکنم : دریصورت برقسم خورنده لازم است تا احمد را در همین وقت ذکر شده ملاقات نماید و در غیرآن کفاره قسم بر او لازم میشود .

نوت : مثال های ذکرشده قسم همه بیانگر حالت مثبت است معلم صاحب حالت منفی قسم را با مثالهای قسم منفی به شاگردان تشریح نماید .

کفاره یمین (قسم خوردن)

کفاره عبارت از آن جزائیست که برقسم خورنده لازم میشود . چنانچه هرگاه شخصی بنام خداوند (ج) برانجام کاری قسم بخورد ولی بعداً آنرا انجام نکند ، برآن شخص کفاره لازم میشود و این بخاطر احترام به عزت نام خداوند (ج) ، میباشد ، کفاره قسم چنین ادا میشود

۱- ده مسکین را به شکم سیر طعام بدهد .

۲- یا ده مسکین را جامه بپوشاند (جامه پوشیدن برایشان بدهد) .

۳- یا یک غلامی را آزاد نماید.

هرگاه شکنندهٔ قسم قادر شود تا یکی از کارهای فوق را انجام دهد کفاره ادا شده وجزا تمام میشود. ولی اگر قدرت انجام هیچکدام از اعمال فوق را نداشت دراینصورت قسم شکن باید ۳ روز پی در پی روزه بگیرد چنانچه خداوند (ج) میفرماید:

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ ۖ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ (۱)

ترجمه: خداوند بزرگ شما را به یمین لغو مجرم نمی پندارد ولی خداوند شما را گنهکار میداند به خوردن قسم هایکه از صدق دل بخورید هرگاه بشکنانید این قسم ها را کفارهٔ آن طعام دادن به ده مسکین است از آن طعام که بطور عادی درخانه میخورید یا ده مسکین را جامه بدهید یا یک غلام را آزاد کنید هرگاه کسی قادر به انجام یکی از افعال فوق نیست پس ۳ روز پی در پی روزه بگیرد.

همچنان درمورد کفاره از حضرت پیغمبر (ص) حدیثی روایت شده که آنحضرت (ص) برای عبدالرحمن بن سمرة فرمودند:

۱- سوره مائده آیه (۸۸)

ای فرزند سمرة ! طلب امارت مکن زیرا امارت درخواست شده را برای درخواست کننده امارت واگذار میشوم ولی اگر بدون درخواست وطلب کسی به او امارت بسپارم پس کمک وهمکاری من نیز با او خواهد بود ، هرگاه قسم بخوری تا کاریرا انجام دهی ولی خیر ومصلحت را در نکردن آن کار ببینی پس عقب مصلحت برو وجهت شکستاندن قسم کفاره بپرداز .

تمرین

۱- معنی یمین چیست ؟

۲- چه نوع قولی را یمین گفته میتوانیم ؟

۳- شرایط یمین کدام اند ؟

۴- یمین دارای چند نوع است ؟

۵- به کدام چیزها یا الفاظ قسم درست نیست ؟

۶- کفارة عبارت از چیست ؟

۷- جزای شکننده قسم چیست ؟

۸- کفارة چه وقت لازم میگردد ؟

۹- هدف از دادن کفارة چیست ؟

۱۰- کفارة به چه کسی داده میشود ؟

۱۱- اقسام یمین لغو را با مثال های آن بیان نمائید ؟

۱۲- کفارة به کدام آیت و کدام حدیث ثابت شده است ؟